

بودجه بندی و نقش آن در مدیریت آموزشی

رمضان جهانیان^۱، سیده فاطمه صابری^۲

^۱ دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

انجام فعالیت های سازمانی مستلزم برنامه ریزی در مصرف منابع محدود و کنترل هزینه هاست. بدون این برنامه ریزی اهداف سازمانی محقق نخواهد شد و مدیریت در سازمان ناکام خواهد ماند. بنابراین کلیدی ترین و ضروری ترین بخش مدیریت، بودجه بندی است. از طرفی بودجه بندی، تصویر فردای سازمان است که در غالب یک برنامه ی مالی حاوی پیش بینی درآمدها و برآورد هزینه ها نوشته می شود و موجب عملیاتی شدن سیاست ها و اهداف قانونی سازمان می شود. پس بودجه بندی ابزاری جهت تحقق وظایف مدیریت محسوب می شود. با توجه به اینکه مدیریت آموزشی، مدیریت در یک سازمان گسترده در جامعه محسوب می شود؛ بودجه و بودجه بندی در آن از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این مقاله سعی بر این داریم تا ارتباط تنگاتنگ میان بودجه و مدیریت آموزشی را بیان کنیم.

واژه های کلیدی: بودجه، بودجه ریزی، مدیریت، مدیریت دولتی، مدیریت آموزشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در ابتدا برای توضیح ارتباط بودجه و مدیریت تعریفی از این واژگان ارائه می دهیم . کاست و رزنزویگ (۱۹۷۴) مدیریت را هماهنگ سازی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق اهداف بیان نموده اند. (علاقه بند، ۱۳۸۸، ص ۱۰) مدیریت، ایجاد توازن بین منابع و فعالیت های مختلف در حال و آینده در یک سازمان است . (عسکریان، ۱۳۷۱) مدیریت فرآیندی است که در آن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف های از پیش تعیین شده هماهنگ می شوند . (تروانا و نیوپورت، ترجمه علا، ۱۳۶۹) مدیریت دارای کارکردها یا وظایفی است که با هم روابط متقابل دارند . این کارکردها ؛ برنامه ریزی ، سازماندهی ، رهبری و کنترل است . اکنون می توان بر حسب کارکردهای مدیریت تعریف دیگری ارائه کرد : مدیریت فراگرد برنامه ریزی ، سازماندهی ، رهبری و کنترل فعالیت های اعضای سازمان و استفاده از همه ی منابع موجود سازمانی برای دست یابی به هدف های آن است . (علاقه بند ، ۱۳۸۸، ص ۱۷ و ۱۸)

استفاده ی مطلوب از منابع مالی هدف بودجه نیز می باشد . هدف بودجه دولتی استفاده ی موثر و کارآمد از منابع و امکانات مالی برای نیل به اهداف جامعه است . (فرج وند و ابراهیمی نژاد ، ۱۳۸۷) از این رو بودجه بخشی از مدیریت دولتی است . سند بودجه، محصول فراگرد بودجه بندی، فراتر از الفاظ سیاسی، نشان دهنده اولویتهای واقعی و ترجیحات حکومت در عرصه اجتماعی است (سیدرضایی، پورعزت، امینی و آذر، ۱۳۹۷) بودجه بندی ، تبدیل منابع مالی به اهداف انسانی است . به عبارتی بودجه به مجموعه ای از اهداف و برنامه ها به همراه هزینه های مربوط به آنها اطلاق می گردد . (فرج وند و ابراهیمی نژاد ، ۱۳۸۷) تصویر فردای سازمان باید امروز با تصمیم مدیران ترسیم شود . این آینده گری را ، برنامه ریزی و تبدیل برنامه ها به زبان پول را بودجه می نامیم (بختیاری و شاهنده ، ۱۳۷۰ ، ص ۱۶۷)

پس بودجه به صورت یک جریان مداوم در سازمان ، نهاد یا جامعه چگونگی مصرف منابع را جهت انجام عملیات در بازه زمانی محدود مشخص می کند . در این جریان ؛ داده ها ، منابع و اعتبارات پیش بینی شده اند که در فرآیند اجرای عملیات و صرف هزینه به ستاده ها ، یعنی تولید کالا یا خدمات تبدیل می شوند و بازخورد فروش کالا یا ارائه ی خدمات مجدداً به مدیریت سازمان یا دولت برمی گردد . (مدنی ، ۱۳۷۱)

الزام نظام بودجه ریزی به عنوان یک ابزار مدیریتی جهت تخصیص بهینه منابع مادی به سیاست ها و برنامه های هر کشور جهت تحقق اهداف و از طرفی کار تخصصی و مشارکتی بودجه ریزی که ترکیبی از دانش های علوم سیاسی ، اقتصاد ، حسابداری ، علوم رفتاری و مالی است (فرج وند و ابراهیمی نژاد ، ۱۳۸۷) و دستیابی به حکمرانی خوب و استقرار نظام تدبیر در حکومت، که یکی از مهم ترین مقاصد در جوامع و دولت ها ست را میسر می سازد (مقیم ، پورعزت، دانایی فرد و احمدی ، ۱۳۹۵) ؛ ارتباط مدیریت و بودجه را در گذر زمان تنگ و دوطرفه ساخته است . در اینجا شرحی از این ارتباط دوسویه می دهیم .

بودجه ریزی :

دایره المعارف بریتانیکا ، بین بودجه بازرگانی و بودجه دولتی تفکیک قائل شده است و برای هر یک تعریف جداگانه ای آورده است . به زعم نویسندگان آن ، بودجه بازرگانی سندی مالی است که در آن بهترین و مناسب ترین برآوردها برای اجرای عملیات یک موسسه در مدت محدودی از زمان در آینده عرضه شده است و بودجه دولت عبارت است از: پیش بینی درآمدها و برآورد هزینه ها در مدت محدودی از زمان (شبیری نژاد ، ۱۳۸۱)

در یک تعریف ساده بودجه عبارت است از روش سیستماتیک تخصیص منابع. هدف بودجه ریزی ارائه ارزش مالی به اهداف و برنامه های دولت، قابل اندازه گیری کردن فرایندها و تبدیل برنامه های استراتژیک به برنامه های عملیاتی است. (کاردوس^۱، ۲۰۱۴)

فلسفه ی وجودی بودجه ریزی با توجه به اینکه بودجه ریزی دارای ابعاد سیاسی و مدیریتی است عبارت است از استفاده از منابع در راستای ارائه ی کالاها و خدمات مطلوب جامعه و گزارش دهی چگونگی انجام کارها. نیازهای اجتماعی و انتظاراتی روز افزون از دولت برای مدیریت اقتصادی کشور، هدایت برنامه های توسعه و تامین رفاه و اتخاذ سیاست های مالی مناسب برای تدارک منابع مالی برنامه های مزبور؛ بودجه ریزی را به عنوان ابزاری برای اداره ی امور کشور مبدل کرده است. (مقیمي، پورعزت، دانایی فرد و احمدی، ۱۳۹۵) بودجه ریزی دارای فرآیندی چهار مرحله ای است که شامل: ۱- سیاستگذاری، تهیه و تنظیم بودجه ۲- تصویب بودجه ۳- اجرای بودجه ۴- کنترل و نظارت بودجه. مراحل این فرآیند بسیار نزدیک به کارکردها یا وظایف مدیریت است. (ابراهیمی نژاد و فرج وند، ۱۳۸۷)

مدیریت دولتی:

دستیابی به ساختاری منظم، انسانی، و معطوف به آسایش توأم با سعادت، مهم ترین هدف جوامع انسانی در طول تاریخ بوده است و مجموعه ساختارهای سیاسی- اجتماعی به این منظور شکل گرفته اند. اداره ی امور عمومی به عنوان یک حوزه ی علمی بین رشته ای در طی سالهای پایانی قرن نوزدهم به مجموعه رشته های آکادمیک دانشگاهی اضافه شد و بنیان های اولیه ی نظریه ی مدیریت دولتی تحت تاثیر مباحث کشورداری و اداره امور عمومی به صورت ناهمگون از رشته های علوم انسانی به ویژه فلسفه، علوم سیاسی، جامعه شناسی و اقتصاد به عاریت گرفته شد. سیر تحول نظریه های مدیریت دولتی را در قالب سه پارادایم: ۱- مدیریت دولتی سنتی ۲- مدیریت دولتی نوین و ۳- حکمرانی خوب؛ که در بستر تاریخی رشد کرده اند می توان بررسی کرد. (سالار زهی و ابراهیم پور، ۱۳۹۱).

۱- پارادایم مدیریت دولتی سنتی (کلاسیک):

اداره ی عمومی بر پایه ی الگوی کلاسیک یا سلسله مراتبی از مصادیق مدیریت دولتی قدیم است. مدیریت دولتی سنتی، همان الگوی کلاسیک وبری است که کارآمدترین نظام مدیریت دولتی را شامل دیوان سالاری هایی می دانست که کارگزاران آن بر اساس اصول شایستگی استخدام می شوند و در چارچوب معیارهای سلسله مراتب، تقسیم کار، استخدام بلند مدت و مقررات اداری انجام وظیفه می کنند. (درشلر^۲، ۲۰۰۴) فاصله ی سالهای دهه ی ۱۹۲۰ تا اوایل دهه ی ۱۹۷۰ به عصر طلایی مدیریت سنتی معروف است و در این دوران دولت نوید دهنده ی شعارهای بهبود و پیشرفت جامعه و جوابگویی به خواسته ها و تقاضاهای شهروندان بود که در غالب پروژه های عمرانی و نظام های رفاه اجتماعی و شکوفایی اقتصادی پس از جنگ جهانی تجلی یافت. (هوگوز^۳، ۲۰۰۳)

۲- پارادایم مدیریت دولتی نوین:

از دهه ی ۱۹۷۰ اداره ی امور دولتی^۴ به مدیریت دولتی^۵ تغییر نام یافت. مدیریت دولتی نوین با انتقاد از کاستی های مدیریت سنتی، برنامه های بازآفرینی دولت، کاهش تصدی گری سازمان های دولتی، مدیریت عملکرد و نتیجه گرا، دولت توانمند و

^۱ - Cardos

^۲ - Drechsler Wolfgang

^۳ - Hughues Qwen E

^۴ - Public Administration

خصوصی سازی و ارتقای فرهنگ کارآفرینی را برای رویارویی با چالش های اداره ی امور عمومی توصیه می کند . (آمادو^۶، ۲۰۰۲) در مدیریت دولتی نوین ، دولت ها نقش کمتری را در عرضه مستقیم خدمات ایفا می کنند . همکاری بخش خصوصی و دولتی در قالب قراردادهای همکاری مشترک در مدیریت بخش دولتی از اهمیت ویژه برخوردار است . (فرای^۷، ۱۹۹۷) مدیریت دولتی نوین به عنوان یک آنتی تز در مقابل مدیریت دولتی کلاسیک ؛ گرایش به بازار ، کوچک سازی دولت ، برون سپاری خدمات به بخش خصوصی و مقررات زدایی دارد . (سالار زهی و ابراهیم پور ، ۱۳۹۱)

۳- پارادایم حکمرانی خوب :

حضور قدرتمند جامعه ی مدنی در سده ی پایانی قرن بیستم و آغاز هزاره ی سوم میلادی ، بحران های کاهش اعتبار و مشروعیت دولت ها ، افزایش رقابت پیچیده ی جهانی ، افزایش مطالبات شهروندان ، ضرورت همکاری و جلب مشارکت شهروندان در اداره ی امور عمومی جامعه نشان می دهد که پارادایم مدیریت دولتی نوین در مواجهه با این بحران ها ناتوان است و نوعی انتقال از پارادایم مدیریت دولتی نوین به پارادایم حکمرانی خوب^۸ در حال شکل گیری است . (همان) حکمرانی خوب که با ویژگی هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی اثربخشی و کارآیی و حاکمیت قانون تعریف می شود، الگویی برای توسعه پایدار انسانی با ساز و کار تعامل عملی سه بخش دولت ، بخش خصوصی و جامعه مدنی است . این الگو به دنبال نقش حداقل دولت و توانمند سازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی می باشد. در این راستا بر رفتار تعاملی سه بخش دولت ، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تأکید می شود و معتقد است دولت باید نقش هماهنگ کننده و تنظیم گر خود را تقویت نموده و به جای تصدی گری به تنظیم و تسهیل روابط بپردازد. در الگوی حکمرانی خوب بحث از دولت نماینده و دولت مشارکتی است که از این طریق راه را برای فعالیت سایر بخش ها هموار می سازد . به منظور اعمال نقش فوق، الگوی دولت تسهیل گر در حکمرانی خوب با متغیرهایی مانند دموکراسی، مشارکت، پاسخگویی، عدالت محوری و اثر بخشی پیشنهاد شده که در صورت تحقق متغیرهای فوق در دولت ، تعامل بین آن و دو بخش دیگر بیشتر خواهد شد . (شریف زاده و قلی پور ، ۱۳۸۲) حکمرانی خوب دارای سه بعد یا رکن اقتصادی ، سیاسی و اداری است . بعد اقتصادی ، شامل فرآیندهایی است که فعالیت های یک کشور را تحت تاثیر قرار می دهد و با اقتصاد کشور های دیگر در ارتباط است . (شبکه جهانی توسعه ملل متحد^۹، ۲۰۰۰)

بعد سیاسی همان فرآیند تصمیم گیری برای تنظیم سیاست هاست . و بعد اداری همان سیستم اجرای خط مشی است . (شبکه جهانی توسعه ملل متحد ، ۱۹۹۷)

ارتباط فرآیند بودجه و مدیریت

دو مفهوم بودجه ریزی و حاکمیت به موازات یکدیگر و در بستر تاریخی شکل گرفته اند . و مسیری که موجب شده است تا درک امروزین از این مفاهیم برای محققان این حوزه حاصل شود ، از روند تاریخی طولانی گذار کرده است . (شکوه فر و شیراوند ، ۱۳۹۵)

با توجه به آنچه گفته شد ، کارکردهای مدیریت که برنامه ریزی ، سازماندهی ، رهبری و کنترل است و فرآیند بودجه ریزی شامل فرآیندی پیوسته از تدوین ، تصویب ، اجرا و ارزیابی است . اهداف فرآیند بودجه با کارکردهای مدیریت مرتبط است یا به

^۵ - Public Management

^۶ - Amado Rivka

^۷ -Fry Brian

^۸ - Good Governance

^۹ - UNDP

عبارتی بودجه همچون ابزاری مدیریتی است تا سازمان به اهداف خود برسد (مدنی، ۱۳۷۱) در بعد مدیریت دولتی، نظام بودجه ریزی کشور به عنوان یکی از ابزارهای مهم مدیریتی دولت به منظور تحقق اهداف تخصیص منابع و تولید کالاها و خدمات عمومی، بازتوزیع درآمد و ایجاد ثبات اقتصادی، دارای نقشی بسیار تعیین کننده در سطح اقتصاد ملی است. در این نظام، اهداف و انتظارات از سازمانها و دستگاههای اجرایی بطور هماهنگ مشخص شده و عملیات، فعالیتها و منابع لازم برای دستیابی به اهداف تعیین میگردد. (طالب نیا و طالبی، ۱۳۹۷)

بودجه به عنوان بیان مالی عملیات دولت، مهم ترین سند دولتی است که دستگاههای اجرایی را در دستیابی به اهداف چشم انداز و برنامه های توسعه کشور و انجام اثربخش وظایف خود یاری می رساند و در واقع آیینه تمام نمای همه برنامه ها و فعالیتهای دولت است و نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصاد ملی ایفا می نماید. (کاردوس، ۲۰۱۴)



ارتباط مدیریت و بودجه

بنابراین طبق نمودار می توان ۱- سیاستگذاری، تنظیم و تصویب بودجه را ابزاری جهت عملیاتی شدن وظیفه ی برنامه ریزی مدیر دانست ۲- اجرای بودجه یعنی صرف اعتبارات با سازماندهی و رهبری مدیر یا دولت طبق قانون بودجه و ۳- ارزیابی و کنترل بودجه که ابزار نظارتی مدیریت است. و کلیه این کارکردها با هماهنگی یکدیگر صورت می پذیرد. (مدنی، ۱۳۷۱؛ ابراهیمی نژاد و فرج وند، ۱۳۸۶)

مدیریت آموزشی، به لحاظ اینکه مدیریت در یک سازمان گسترده محسوب می شود، بودجه و بودجه ریزی در آن از اهمیت بیشتری برخوردار است. مدیریت آموزشی در ایران که بیش از ۹۵ درصد از فعالیت های آن توسط بخش دولتی بصورت متمرکز انجام می شود به شدت تحت تاثیر سهم بودجه عمومی است. در واقع اعتبارات بودجه عمومی دولت تعیین کننده ی میزان تخصیص منابع بین هزینه های سرمایه ای، مصرفی و یا میان بخش های مختلف برای رسیدن به اهداف ملی در مدیریت آموزشی است. (محسنی نیا، ۱۳۷۸)

ارتباط تنظیم بودجه و کارکرد برنامه ریزی مدیریت:

استفاده از رویکردهای نوین بودجه ریزی علاوه بر این که از کندی کار دستگاههای دولتی و اسراف اموال عمومی جلوگیری می کند، در پیشبرد مقاصد اجتماعی و اقتصادی نیز بسیار مؤثر بوده است و دولتها از این طریق می توانند منابع ملی را به نحو عادلانه و کارآمد در بین اهداف مطلوب جامعه توزیع کنند. (مقیمی، پورعزت، دانایی فرد و احمدی، ۱۳۹۵) سطوح برنامه

ریزی در سازمان به سه صورت ۱- برنامه ریزی استراتژیک ۲- برنامه ریزی تاکتیکی و ۳- برنامه ریزی عملیاتی جلوه گر می شود. (بیک زاد و سید مفید، ۱۳۹۳) برنامه استراتژیک را می توان بصورت آینده نگری و تصمیم گیری در زمان حال با در نظر گرفتن پیامدهای آتی تعریف کرد. برنامه ریزی تاکتیکی در زمان کوتاه تر از زمان برنامه استراتژیک توسط سطوح میانی سازمان انجام می شود که برای رسیدن به هدف هایی که توسط برنامه ریزان سطوح عالی تعیین می شود، لازم است. و در آخر برنامه ریزی عملیاتی، فرآیندی است که به وسیله ی آن مدیران اجرایی فعالیت ها و گام های ویژه ای را در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر ترسیم می کنند. این برنامه ریزی در چارچوب زمانی کوتاه تری نسبت به برنامه ریزی استراتژیک و تاکتیکی دارد. (احسانی فر، ۱۳۹۲)

در کلیه مراحل برنامه ریزی نقش بودجه برجسته است. مراحل برنامه ریزی به صورت ذیل است:

- ۱- تعیین استراتژی؛ مبتنی بر اطلاعات برگرفته از اطلاعات بودجه ای است.
 - ۲- ارزیابی منابع؛ خود یک مفهوم بودجه ای است و هیچ برنامه ای بدون پیش بینی منابع و امکانات مالی و اعتباری عملی نیست.
 - ۳- هدف گذاری: در تعیین هدف های برنامه های میان مدت، اعلام ظرفیت های اقتصادی کشور و میزان توان مالی دولت و مشکلات اجرایی موجود دستگاه ها؛ می بایست از اطلاعات بازخوردی بودجه ای بهره جست.
 - ۴- سیاستگذاری: خط مشی های مربوط به برنامه ها اغلب جنبه مالی و اقتصادی دارد و طبعاً موضوع آنها چگونگی توزیع اعتبارات و نحوه ی تخصیص منابع میان برنامه هاست. به همین جهت آنها به نحوی از عملکرد بودجه متاثر شده و متقابلاً در ارقام بودجه اثر می گذارند.
 - ۵- طراحی عملیات: طراحی عملیات با بودجه بندی عملیاتی ارتباط نزدیک دارد و از طریق تکنیک های هزینه یابی از قبیل حسابداری قیمت تمام شده و اندازه گیری کار، انجام می شود.
 - ۶- تصمیم گیری؛ آخرین مرحله ی برنامه ریزی است با استفاده از فنون تجزیه و تحلیل اقتصادی - مالی و ارزیابی به مرحله ی اجرا درآمده و اقتصادی ترین و کارآمدترین شق از میان شقوق ممکن را انتخاب می کند.
- لذا مدیر برای دستیابی به برنامه ای اثربخش و موفقیت آمیز باید از ابزار بودجه بهره ببرد. (مدنی، ۱۳۷۱) همچنین مدیریت دولتی در در پاسخ به نیازمندی جامعه، مدیریت علمی و برنامه ریزی صحیح به ضرورت اعمال تدابیر منطقی بودجه ریزی در بخش عمومی پی برده است. (مقیمی، پورعزت، دانایی فرد و احمدی، ۱۳۹۵).

ارتباط اجرای بودجه و کارکرد سازماندهی و رهبری مدیریت:

- سازماندهی به عنوان فرایند تقسیم کار و طبقه بندی وظایف و فعالیتها میان افراد و گروههای کاری و هماهنگی بین آنها تعریف شده است. عناصر اصلی سازماندهی اموری چون تقسیم کار، اختیار و مسولیت، تمرکز و عدم تمرکز و سلسله مراتب است. در مرحله ی سازماندهی مشخص می شود توسط چه کسی چه کاری انجام شود و هر واحد سازمانی چه سهمی در نیل به اهداف دارد. در اجرای بودجه، با رهبری و سازماندهی دولت مشخص می شود که

دستگاه های دولتی و خصوص دقیقا با صرف چه مقدار از منابع برنامه ها را عملیاتی کنند. این طبقه بندی عملیاتی بصورت امور، فصل، برنامه، فعالیت و طرح مطرح می شود که هر یک به وسیله واحد سازمانی مناسب به مرحله ی اجرا در می آیند. (ابراهیمی نژاد و فرج وند، ۱۳۸۶) بودجه ریزی از کندی کار دستگاه های دولتی و اسراف اموال عمومی جلوگیری می کند و در پیشبرد مقاصد اجتماعی و اقتصادی موثر است. دولت از این طریق می تواند منابع ملی را به نحو عادلانه و کارآمد در بین اهداف مطلوب جامعه توزیع کند.

ارتباط کنترل بودجه و ارزیابی مدیریت:

کنترل، فرایندی است که طی آن عملکردهای واقعی با مقاصد، اهداف، خط مشی ها و استانداردها تطبیق داده و مقایسه می شود و در صورت مشاهده انحراف اقدام اصلاحی صورت گیرد.

نظارت بر اجرا و عملکرد دریافت های دولت و پرداخت های دستگاههای اجرایی دولتی با توجه به اهداف و سیاست های پیش بینی شده و تطبیق اسناد و مدارک با قوانین و مقررات امروزه به عنوان یک علم مطرح بوده و گرایش های متعددی همچون حسابرسی مالی، حسابرسی مدیریت و یا حسابرسی عملیاتی دارد. در این میان حسابرسی عملیاتی حدود کارایی سرمایه گذاری ها و بودجه های اقتصادی را اندازه گیری کرده و به قانون گذاران و مسئولان قوه مجریه کمک می کند که در برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به توان مالی توجه نموده و تعهداتی را که امکان تامین اعتبار نباشد، به عهده نگیرند (احمدی، آذر و دادرسی). بودجه ریزی عملیاتی نوعی سیستم برنامه ریزی، بودجه ریزی و ارزیابی است که بر رابطه ی بودجه ی هزینه شده با نتایج مورد انتظار تاکید می ورزد در چارچوب این بودجه ریزی اولویت های هزینه ای و ارزیابی عملکرد صورت میگیرد و در واقع با مرتبط ساختن تصمیمات بودجه ای و عملکرد دولت، پاسخگویی دولت در مقابل قانونگذاران و مردم را تقویت می کند. (طالب نیا و محمودی، ۱۳۸۵)

در کنار کنترل قضایی بوسیله دیوان محاسبات و قوه مقننه، قوه مجریه نیز از طریق نظارت مالی و عملیاتی که نظارت درونی نامیده می شود بر اجرای بودجه نظارت می کند. هدف نظارت مالی که توسط ذی حساب یا خزانه صورت می گیرد، عدم تجاوز دولت از اعتبارات مصوب است و نظارت عملیاتی مبین بررسی چگونگی نتایج حاصل از پرداخت مخارج است که این امر به عهده سازمان مدیریت است. (ابراهیمی نژاد و فرج وند، ۱۳۸۶) لذا کنترل بودجه توسط دولت مرتبط با کارکرد نظارت و ارزیابی مدیریت دولتی که است.

نتیجه گیری

بودجه ریزی دولتی از نظر تخصصی هنر توزیع بهینه منابع در قالب تشکیلات دستگاههای اجرایی و نهایتا در مجموعه وظایف دولت است به نحوی که حجم عملیات در مقابل حجم اعتبارات با درجه اولویت بندی اختصاص داده می شود و از موثرترین فعالیتها در اثربخشی و کارآمدی مدیریت محسوب می شود. در حقیقت مدیریت استفاده بهینه موثر و کارآمد از منابع مالی مادی و انسانی است تا به اهداف از پیش تعیین شده دست پیدا کند و این اثربخشی و کارآمدی با بهره بردن از ابزار بودجه امکان پذیر خواهد بود. مدیریت آموزشی به عنوان مدیریت در یک سازمان گسترده که فعالیت های آن بصورت متمرکز توسط بخش دولتی مشخص می شود، به شدت تحت تاثیر سهم بودجه عمومی است. از این رو بودجه به عنوان ابزار و اهرمی اصلی در برنامه ریزی و مدیریت و به ویژه مدیریت آموزشی محسوب می شود.

منابع

- ۱- ابراهیمی نژاد مهدی؛ اسفندیار، فرج وند (۱۳۸۷) اصول تهیه و تنظیم و کنترل بودجه، تهران: انتشارات سمت فصل سوم
- ۲- احمدی، پرویز؛ آذر، عادل و دادرسی، فریدون " بررسی زمینه های اجرائی بودجه ریزی عملیاتی در بستر قانون محاسبات عمومی کشور، گروه مشاوران پنکو
- ۳- امامی، محمد (۱۳۷۱) تصویب و اجرای بودجه در قانون محاسبات عمومی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۱، ص ۷۰-۵۱
- ۴- بیگ زاد، جعفر؛ سید مفید، علیرضا (۱۳۹۳) " بررسی عوامل موثر بر اجرای برنامه ریزی استراتژیک در سازمان بهزیستی، فصلنامه اطلاع رسانی آموزشی پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۶
- ۵- تراواتا، رابرت و نیوپورت، جین، ترجمه علا، عین الله (۱۳۶۹). اصول مدیریت و رفتار سازمانی، چاپ اول، تهران: انتشارات زوار، ص ۶
- ۶- سالارزهی، حبیب الله؛ ابراهیم پور، حبیب (۱۳۹۱)، " بررسی سیر تحول در پارادایم های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب"، مدیریت دولتی، دوره ۴، شماره ۹، بهار ۱۳۹۱، ص ۶۲-۴۳
- ۷- سپاسی، سحر، اعتمادی، حسین و سیرغانی، سعید (۱۳۹۸) تاثیر تعدیل کننده قضاوت های اخلاقی مدیران بر رابطه بین مشارکت در بودجه بندی و نارسایی بودجه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، پژوهش های حسابداری ملی و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۵۱-۱۲۵
- ۸- سیدرضایی، میریعقوب؛ پورعزت، علی اصغر؛ امیری، مجتبی؛ آذر، عادل (۱۳۹۷)، گناهای کشنده در بودجه بندی عمومی ایران، مدیریت دولتی، بهار ۱۳۹۷، ۱۰ (۱)، پیاپی ۳۳، ص ۵۸-۴۱.
- ۹- شبیری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۱). ((مبانی بودجه و بودجه ریزی)) بودجه ریزی در ایران (مسائل و چالش ها)، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- ۱۰- شریف زاده، فتاح؛ قلی پور، رحمت اله (۱۳۸۲) " حکمرانی خوب و نقش دولت"، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۵۱، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۰۹-۹۳
- ۱۱- شکوه فر، بنیامین؛ شیرواند، مهران (۱۳۹۵) " بودجه ریزی عملیاتی فرصتی برای مدیریت دموکراتیک مخارج عمومی (مورد پژوهی ایالات متحده آمریکا)"، مدیریت شهری، بهار ۱۳۹۵، شماره ۴۲، ص ۱۲۴-۱۰۷
- ۱۲- طالب نیا، قدرت الله؛ محمودی، فاطمه (۱۳۸۵) " بررسی مشکلات پیاده سازی بودجه ریزی عملیاتی در سازمان های دولتی و ارائه راهکارهای لازم جهت کاهش موانع"، کنترلر، دوره ۱ دوم، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۱۳- طهماسبی دهکردی، سعادت (۱۳۸۴) "زمینه های اجرایی بودجه ریزی عملیاتی"، برنامه، شماره ۱۴۱، آبان ۱۳۸۴، ص ۲

۱۴- طالب نیا، قدرت اله؛ طالبی، مریم (۱۳۹۷) نظام بودجه ریزی در ایران و ساختار آن، رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت، بهار ۱۳۹۷، شماره ۶، ص ۴۱-۶۸

۱۵- عسکریان، مصطفی (۱۳۷۱) سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۶، ص ۶۴

۱۶- علاقه بند، علی (۱۳۸۸) مدیریت عمومی (ویراست دوم) تهران: نشر روان

۱۷- مدنی، داود (۱۳۷۱) جایگاه و نقش بودجه در فرایند مدیریت، مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، دوره ۲، شماره ۷، پاییز ۱۳۷۱، ص ۵۳-۷۲

۱۸- مقیمی، سید محمد؛ پورعزت، علی اصغر؛ دانایی فرد، حسن و احمدی، حیدر (۱۳۹۵) تبیین عناصر حکمرانی خوب در سیاست گذاری نظام بودجه ریزی کشور، مطالعات راهبردی سیاست گذاری، دوره ۶، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۵، صفحه ۳۱-۵۲

۱۹- مقیمی، سید محمد؛ پورعزت، علی اصغر؛ دانایی فرد، حسن و احمدی، حیدر (۱۳۹۵) "طراحی و تبیین مدل بودجه بندی بر اساس شاخص های حکمرانی خوب در ایران"، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، ص ۶۴۵-۶۴۵

۲۰- محسنی نیا، محمد جواد (۱۳۷۸) "بودجه و بودجه ریزی در آموزش و پرورش"، مدیریت در آموزش و پرورش، دوره ششم، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۲۲

